

نقش اتحادیه های کارگری بعنوان نهاد سرمایه و عوام فریبی حکمتیست ها

در حاشیه درگذشت باب کرو رهبر اتحادیه حمل و نقل انگلستان



شورای کارگران در جریان انقلاب اکتبر

صدای انترناسیونالیستی

E-mail: contact@internationalistvoice.org

Homepage: www.internationalistvoice.org

تلگرام: <https://t.me/intvoice>

«باب کرو» دبیر کل اتحادیه حمل و نقل انگلستان روز ۱۱ مارس ۲۰۱۴ بر اثر سکنه درگذشت. چپ دستگاه سیاسی سرمایه مرگ او را بهانه ای قرار داد تا بار دیگر ارزشهای پرولتری را تحت عناوین رادیکالترین کلام ها به لجن بکشد، عوام فریبی کند و به نهادهای سرمایه، هویت ضد سرمایه داری بدهد. چپ های وطنی در این رابطه گوی سبقت را از چپ های بریتانیایی ربودند.

زمانی که سرمایه داری هنوز نقش مترقی در جامعه ایفا می کرد، اتحادیه های کارگری بعنوان تشکل های کارگری سعی می کردند با تحمیل رفرمها به بورژوازی، بهبودهایی را در شرایط زندگی کارگران بوجود آورند. در همان زمان یک گرایش انحرافی در درون جنبش کارگری وجود داشت که به تفکیک مبارزه سیاسی از مبارزه اقتصادی می پرداخت. این نگرش حزب را بعنوان یک ابزار پارلمانی در مبارزه سیاسی و اتحادیه ها را بعنوان ابزاری در مبارزه اقتصادی ارزیابی می کرد. این نوع تفکیک شرایط را برای انحطاط و سپس ادغام شدن اتحادیه های کارگری در دولت سرمایه مهیا میکرد.

با شروع جنگ جهانی اول که بیانگر ورود سرمایه داری به عصر انحطاط، عصر امپریالیسم بود، اتحادیه ها به دفاع از بورژوازی خودی پرداختند و کارگران را به گوشت دم توپ بورژوازی ترغیب کردند. با غیر قانونی کردن اعتصاب در دوران جنگ، کمک به حفظ نظم بورژوائی در مقابل تهدیدات پرولتری کردند. بدین ترتیب اتحادیه های کارگری در دولت سرمایه ادغام شدند و به یکی از نهادهای اصلی سرمایه تبدیل شدند.

وجود نهادی بنام «اتحادیه های کارگری» برای سرمایه از اهمیت حیاتی برخوردار است. نفوذ ایدئولوژی بورژوائی در درون طبقه کارگر یکی از اهداف اصلی اتحادیه های کارگری است. اتحادیه ها وجود دارند تا اعتراض و مبارزه کارگران در دور باطل و چرخه نظام سرمایه داری و در محدوده قانون سرمایه داری محدود بماند و اعتراض آنان هرگز فراتر از افق سرمایه داری پیش نرود تا مبدا افق انقلابی به خود گیرد. خود اتحادیه ها در انحصارات بزرگ صنعتی و مالی شریک هستند و بطور مستقیم نقش بسزائی در استثمار طبقه کارگر ایفا می کنند.

قطعا بخشهای کوتاه بین بورژوازی بعنوان مخالفین اتحادیه ها ظاهر شده اند و یا همچنان بعنوان مخالفین اتحادیه های کارگری باقی خواهند ماند. البته مخالفت بخش های کوتاه بین بورژوازی کمک خواهد کرد تا اتحادیه های کارگری تصویری رادیکال از خود ارائه دهند و خود را بعنوان تشکل های کارگری که مدافع منافع طبقه کارگر هستند جلوه دهند.

جناح کلام رادیکال چپ سرمایه با ریاکاری تمام به ایرادهای کزائی متوسل میشود تا القا کند که اتحادیه ها تشکل های کارگری هستند. انتقادهای آنها به خیانت رهبران اتحادیه ها و یا ماهیت بوروکراتیک اتحادیه ها محدود می شود. البته حکمتیستها حتی به چنین ایرادها و انتقادهای ظاهری نیز نمی پردازند بلکه به تملق گویی از اتحادیه های کارگری می پردازند.

هر دو جناح حزب حکمتیست هم جناح مدرسی و هم جناح «رحمان حسین زاده» مرگ «باب کرو» را بهانه ای قرار دادند تا در به لجن کشیدن ارزشهای کمونیستی و کارگری سنگ تمام بگذارند. هر دوی این جناحها ابراز میدارند که تنها گرایشی هستند که همچنان به «کمونیزم کارگری» ناب حکمتی وفادار هستند و در دعوای خانوادگی شان دیگر گرایشات «کمونیزم کارگری» را بورژوائی ارزیابی می کند. در تقلاي شبانه روزی هستند تا القا کنند که مذهب «کمونیزم کارگری» همان کمونیزم واقعی یعنی تئوری رهائی کارگران است. [۱]

تشکیلات بریتانیای حزب حکمتیست جناح «رحمان حسین زاده» در پیام تسلیت بمناسبت مرگ «باب کرو» این چنین عوام فریبی می کند:

"خبر درگذشت باب کرو از چهره‌های محبوب، جسور و رادیکال جنبش کارگری بریتانیا مایه تاسف عمیق ما فعالین سیاسی متشکل در حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست، شد. مرگ باب کرو در شرایطی که بورژوازی در بطن بحران عمیقی که خود خالق آن است، کمر به نابودی طبقه کارگر بسته است و روزانه به سطح معیشت طبقه ما حمله میکند و در صدد هستند شرایط به مراتب تاریکتری بر زندگی کارگران حاکمند [اشتباه تایپی از متن اصلی است]، دردناکتر است. زیرا وجود باب کرو در جنگ طبقاتی پیش رو با بورژوازی بیش از هر زمان ضروری تر بود... باب تنها متعلق به شما نبود. او به هر کارگر معترض و هر کمونیست ضد نظام سرمایه‌داری نه تنها در بریتانیا بلکه در سراسر جهان تعلق داشت. مرگ او خسارت بزرگی بر جنبش کارگری بریتانیا بویژه اتحادیه "آر ام تی" میباشد. [۲]"

«جمال کمانگر» عضو کمیته مرکزی حزب حکمتیست جناح «رحمان حسین زاده» این چنین به چاپلوسی «باب کرو» می پردازد و مفهوم انترناسیونالیسم را به لجن می کشد:

"باب کرو قهرمان طبقه کارگر درگذشت... باب کرو نشان داد میتوان در راس یک اتحادیه رادیکال و میلیتانت بود اما آنرا صنفی نکرد و انترناسیونالیسم کارگری سرلوحه کارش باشد. [۳]"

کسانی که این ریاکاران آنان را قهرمانان طبقه کارگر جلوه میدهند، روسای نهادی بورژوائی بنام «اتحادیه های کارگری» هستند که با درآمدهای نجومی از دنیای واقعی جهنم سرمایه داری فرسنگها فاصله دارند. جدول زیرین درآمد سالیانه چند رئیس اتحادیه کارگری را در بریتانیا نشان میدهد، درآمدی که در دنیای واقعی و زمینی کارگران مفهومی ندارد.

نام اتحادیه	نام رئیس اتحادیه	درآمد سالانه
اتحادیه معلمان و استادان (ATL)	Mary Bousted	۱۳۰۷۴۹ پوند
اتحادیه خدمات عمومی و تجاری (PCS)	Mark Serwotka	۱۱۲۶۳۴ پوند
اتحادیه حمل و نقل (RTM)	Bob Crow	۱۳۰۰۳۴ پوند
اتحادیه خدمات عمومی (UNISON)	Dave Prentis	۱۳۰۱۰۹ پوند

در کشورهایی که سرمایه توانسته است سنت اتحادیه ای را نهادینه کند، اتحادیه ها به عنوان ماموران فداکار نظام سرمایه داری نقش خود را بخوبی ایفا می کنند. کاهش دستمزدها، ممنوعیت اعتصاب، اخراج کارگران و ده ها طرح ضد کارگری قبل از اینکه شکل واقعیت به خود بگیرد و عملی گردد به تصویب اتحادیه می رسد.

«باب کرو» را شخصیتی رادیکال جلوه میدهند، چون «نیم تنه لنین» را در دفتر کار خود داشت. وجود «نیم تنه لنین» در محل کار «باب کرو» نه از رادیکال، ملیتانت بودن و یا از انترناسیونالیسم «باب کرو»، بلکه این مسئله به «باب کرو» کمک میکرد تا چهره ای رادیکال و ملیتانت از خود نشان دهد، تا بهتر بتواند وظایف خود را در تقابل با مبارزه مستقل کارگران ایفا کند. استالین بنام لنین، بنام انقلاب اکتبر، نزدیکترین رفقای لنین و خالقان انقلاب اکتبر را سر بر خاک افکند.

جناح مدرسی حزب حکمتیست نیز همان عوام فریبی ها را تکرار می کند:

"باب کرو از رهبران کمونیست و برجسته طبقه کارگر بریتانیا صبح روز ۱۱ مارس ۲۰۱۴ در سن ۵۲ سالگی در پی یک حمله قلبی در لندن درگذشت. باب به شهادت دشمنانش سرسخت ترین مدافع طبقاتی هم سرنوشتانش در یک دهه گذشته بود. اتحادیه تحت رهبری او در یک دهه اخیر رشد یابنده ترین شکل کارگری در اروپا محسوب میشود. قدرت اتحاد و سرسختی باب، بالارفتن منظم دستمزد سالانه کارگران اتحادیه اش را در دوره ای تضمین کرد که بورژوازی بار بحران دوره اخیر را به افت سطح زندگی طبقه کارگر و بیکاری های وسیع ترجمه کرده است. باب به عنوان یک کمونیست جسور مدافع طبقه خود در بریتانیا در عین حال جزو سرسخت ترین مخالفین افسارگسیختگی نظامی غرب و امریکا در سطح جهانی و بویژه در خاورمیانه بود... نام باب کرو به عنوان یک رهبر رزمنده، جسور و کمونیست طبقه کارگر که تاثیرات قابل توجهی در اتحاد طبقاتی و پیشروی های کارگری داشت، در تاریخ مبارزه طبقاتی ماندگار است." [۴]

جناح مدرسی از «باب کرو» رهبر رزمنده، جسور و کمونیست طبقه کارگر می سازد که در تاریخ مبارزه طبقاتی ماندگار خواهد بود، چیزی که بورژوازی بدنبال آن است. بورژوازی بخاطر اینکه کارگران رادیکال و مبارزه جو را در چهارچوب اتحادیه ای نگه دارد و مانع ترک صفوف اتحادیه شوند، به رهبران کلام رادیکال اتحادیه ای نیاز دارد که در صفوف اتحادیه قابل مشاهده و رویت هستند. نقشی که «باب کرو» سعی می کرد ایفا کند، ایجاد این توهم بود که گویا طبقه کارگر از طریق رهبران مبارزه جو می تواند از منافع خود دفاع کند. این در حالی است که اتحادیه های کارگری در دولت سرمایه ادغام شده اند و بخشی از ارگان سرکوب بورژوازی برای تخریب مبارزه طبقاتی هستند. یک اعتصاب برنامه ریزی شده توسط اتحادیه های کارگری که کارکرد سرمایه را مختل نمی کند بهترین شیوه برای رسیدن به این هدف است، که اتحادیه ها مدافع منافع کارگری هستند.

بر خلاف عوامفریبی حکمتیستها به این شکل نیست که، اتحادیه هایی که رهبران مبارزه جو دارند اعضایش از حقوق بالاتری برخوردارند. در کشورهای غربی کسانی که در صنعت حمل و نقل کار می کنند هم میانگین حقوق بالاتری دارند و هم امنیت شغلی بهتری. دلیل این مسئله هم بسیار ساده

است. بخش «حمل و نقل» را نمی توان به کشوری که دستمزد پائین تری دارد منتقل کرد، فرصت های شغلی باید همچنان در کشور غربی بماند. خود «باب کرو» شخصا به این مسئله اذعان کرده بود.

اظهار نظر بورژوا پسند حکمتیست ها، مبنی بر بالا رفتن منظم دستمزدهای کارگران توسط اتحادیه ها از دروغ های حکمتیست هاست. بالا رفتن دستمزدها نه به مفهوم افزایش دستمزدهای واقعی، چرا که به خاطر تورم جامعه، با کاهش دستمزدهای واقعی به استثنای دوره های کوتاه مدت، مواجه بوده ایم. البته کاهش دستمزدهای واقعی برابر بوده با افزایش تداوم بار آوری کار. لذا بیان افزایش قدرت خرید یکی دیگر از ریاکارهای چپ سرمایه بوده است. سرمایه می خواهد شرایط زندگی کارگران را با جامعه مدرن تطبیق دهد تا شرایط استثمار را در برده داری مدرن یعنی در جامعه پیشرفته و مدرن تضمین کند.

اسد گلچینی حکمتیست (از جناح مدرسی) با ریاکاری تمام این چنین به تملق گوئی «باب کرو»، اتحادیه های کارگری و مجلس اروپا می پردازد:

"اندوه فراوانی طبقه کارگر انگلستان و بریتانیا را در بر گرفت. یک رهبر جسور و آگاه کارگران از میان ما رفت. باب کرو دقیقا در همین ابعاد معرف همگان بود. باب کرو بخاطر موقعیتش در میان کارگران راه آهن و ترانسپورت و بخاطر تصمیم و اراده اش، وزن و اعتبار مهمی در میان دشمنان طبقه کارگر داشت. باب کرو یک کمونیست و سوسیالیست بود... باب میدانست که راه حل کارگران در ابعادی گسترده تر و حداقل در سطح اروپا شانس پیشروی و عقب زدن طبقه سرمایه دار به تعرض بیشتر به طبقه کارگر را دارد و به این خاطر خود را برای عضویت در مجلس اروپا آماده میکرد." [۵]

عوام فریبان حکمتیست با ریاکاری تمام به کسانی که در سازماندهی استثمار طبقه کارگر نقش بسزائی ایفا می کنند، هویت انترناسیونالیستی و لقب «رهبران جسور و آگاه کارگران» میدهند. حکمتیست ها با شیاد صفتی اظهار میدارند، «باب کرو» خود را برای عضویت در مجلس اروپا آماده می کرد تا راه حل کارگری شانس پیشروی داشته باشد. آیا بهتر از این میتوان بنام کمونیزم خاک در چشم کارگران پاشید. مجلس اروپا، مجلس بورژوازی برای سازماندهی استثمار طبقه کارگر و تضمین انباشت سرمایه است. ما قبلا نیز به تفصیل نشان داده ایم که شرایط برای کاندیداتوری حکمتیستها برای پارلمان مهیا نیست والا به پارلمانترایسم وفادارند و هر وقت شرایط برایشان مهیا شود، کاندیداتوری خود را اعلام خواهند کرد. همان طوری که خانم ناهید ریاضی حکمتیست خود را کاندیدای پارلمان دانمارک کرد. [۶]

چپ دستگاه سیاسی سرمایه از آن جمله حکمتیستها با جار و جنجالهای تبلیغاتی، نامه پراکنی مزدوران سرمایه جهانی یعنی اتحادیه های کارگری کشورهای متروپل به مسئولین جمهوری اسلامی را حمایت انترناسیونالیستی طبقه کارگر جا می زنند. این نامه پراکنی ها و این تشر زدن ها صرفا بخشی از وظایف روسای اتحادیه های کارگری کشورهای غربی در راستای تنش های امپریالیستی بین گانگسترهای اسلامی و گانگسترهای دمکرات می باشد. چپ سرمایه سرکوب و

انحراف مبارزه کارگری توسط اتحادیه های کارگری را کتمان می کند و ماموران سرمایه در درون طبقه کارگر مدافعان حقوق کارگران معرفی می شوند.

با ورود سرمایه داری به عصر امپریالیسم، عصر انحطاط سرمایه داری، اتحادیه های کارگری نیز در سراسر جهان سرمایه در دولت سرمایه ادغام شدند. این امر منجر شد تا ابزار و شیوه مبارزاتی طبقه کارگر نیز فرق کند. با شروع موج انقلابی در سالهای اولیه قرن بیستم مبارزات کارگری شکل شوراهای کارگری بخود گرفت. به میمنت وجود اتحادیه های کارگری است که سرمایه متروپل در شرایط کنونی از آرامش نسبی برخوردار است. هنگام طغیان مبارزه طبقاتی است که اتحادیه ها نشان میدهند تا چه اندازه برای دولت سرمایه داری ضروری هستند. اتحادیه ها در حال حاضر در آماده باش کامل بسر می برند تا در لحظه نبردهای تعیین کننده همچون سال ۱۹۱۴ وارد عمل شوند. آنها برای تضعیف و متلاشی کردن گرایش انقلابی طبقه کارگر متخصص شده اند. در دوره های پرتلاطم انقلابی اتحادیه ها بهترین خاکریزهای دفاعی سرمایه در مقابل مبارزات پرولتری خواهند بود و اتحادیه ها اولین سنگرهای خواهند بود که پرولتاریا باید تسخیر کند.

در شرایط کنونی مبارزه مستقل کارگران خارج از چهارچوب اتحادیه ها و در روند آن مجامع عمومی کارگری روش مبارزه کارگری هستند که با تکامل و شدت گرفتن مبارزه طبقاتی شکل شوراهای کارگری بخود خواهد گرفت. هر گونه توهم پراکنی در مورد اتحادیه های کارگری و فعالیت اتحادیه ای سم کشنده ای است علیه مبارزه طبقاتی و تنها در خدمت تداوم بردگی مزدی و در راستای جاودان ساختن جهنم سرمایه داری است. باید ماهیت ضد کارگری، ضد کمونیستی و بورژوا پسند حکمتیست ها را افشا نمود.

م جهانگیری

اول اردیبهشت ۱۳۹۳

یادداشت ها:

[۱] «کمونیسم کارگری» و اتحادیه های کارگری موضوع بحث این نوشته نیست. ما در سری مقالاتمان «کمونیسم کارگری وجدان رادیکال چپ سرمایه» در بخش مربوط به اتحادیه های کارگری به تفصیل ماهیت بورژوائی این جریان ضد انقلابی و ضد کمونیستی را در برخورد به اتحادیه های کارگری افشا خواهیم کرد و عوام فریبی های حمید تقوائی مندرج در بسوی سوسیالیسم در دهه ۸۰ میلادی را پاسخ خواهیم داد.

[۲] پیام تسلیت بمناسبت درگذشت باب کرو رهبر اتحادیه حمل و نقل انگلستان RMT

[۳] باب کرو قهرمان طبقه کارگر درگذشت

[۴] <http://www.hekmatist.com/2014/Hezb-Bob.html>

[۵] <http://www.hekmatist.com/2014/k184-asad.html>

[۶] برای اطلاع بیشتر به جزوه ما «پارلماناریسم یعنی دیکتاتوری سرمایه، زنده باد انقلاب کمونیستی» مراجعه کنید.